



مقاله پژوهشی

Available Online: <http://jmst.kmsu.ac.ir>



رقابت ایران و عربستان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی: پیامدهای آن از خلیج فارس تا دریای سرخ

غلامرضا فیروزی^۱، حامد محقق نیا^{۲*}، شیواجلال پور^۲، فریدون اکبرزاده^۲

۱. گروه علوم سیاسی، واحد بین المللی خرمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، خرمشهر، ایران.
۲. گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

* نویسنده مسؤل، پست الکترونیک: mohagheghnia7877@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۳۰

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22113/JMST.2020.232047.2373

چکیده

موضوع تحقیق حاضر، تجزیه و تحلیل روابط ایران و عربستان و تنش‌ها و رقابت‌های موجود میان این دو کشور است. پژوهشگر، قصد دارد به این پرسش پاسخ دهد که علت اصلی تنش در روابط جمهوری اسلامی و عربستان سعودی چیست؟ هدف اصلی این پژوهش، بررسی و علت‌های مادی و عینی تنش در روابط ایران و عربستان و ارزیابی آن بر مبنای ساختار روابط بین‌الملل است. روش تحقیق این پژوهش از لحاظ تحلیل داده‌ها، توصیفی-پیمایشی و اکتشافی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد با توجه به تحولات منطقه‌ای از جمله بحران سوریه، عراق و یمن و توافق هسته‌ای ایران و کشورهای غربی، قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران افزایش یافته و این موضوع از نظر عربستان تهدیدی علیه این کشور می‌باشد. همین امر سبب افزایش تنش‌ها و اختلافات در روابط این دو کشور شده‌است که با توجه به ادراک دو کشور از یکدیگر، می‌تواند افزایش یافته و ادامه پیدا کند. با توجه به موارد مذکور و قدرت‌گیری ایران در منطقه، عربستان راه را برای نفوذ هر چه بیشتر آمریکا و اسرائیل به منطقه باز کرده و روابط نزدیکی با اسرائیل ایجاد کرده‌است؛ بنابراین رویکرد روابط سیاسی در آینده دو کشور مبهم و رو به تیرگی است.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان، رقابت، خاورمیانه، هژمون منطقه‌ای.

۱. مقدمه

همراه با آموزه‌های به‌شدت سنتی و مذهبی و نیز سطره افکار و ایده‌های سلفی، در قالب وهابیت، به جامعه عربستان ترکیب منحصربه‌فردی بخشیده‌است. این کشور حدود یک‌چهارم ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را در اختیار دارد (Rahmanian, 2016). از این منظر، ثبات یا ناامنی در این کشور نفت‌خیز برای قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، اهمیت بسیاری دارد.

رابطه این ایران و عربستان تابع نوعی رقابت پایدار خواهد بود که در جهت یارگیری دیگر کشورهای منطقه، به چالش کشاندن همدیگر و حمایت از کشورها و گروه‌های کوچک‌تر جهت تثبیت موقعیت منطقه‌ای تداوم خواهد داشت. در حال حاضر، رقابت متقابل ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه، تنش‌هایی را شکل داده است که این رقابت و منازعه به سایر کشورهای منطقه نیز سرایت کرده و تنش‌هایی را در این بخش از جهان به وجود آورده است. کنش دو کشور ایران و عربستان در جنوب غرب آسیا تحت تأثیر متغیرهای مختلفی چون سابقه تاریخ، فرهنگی، رقابت ایدئولوژیک، ساختار سیاسی متعارض، رقابت‌های دینی و مذهبی، گروه‌های قومی و مذهبی همسو در کشورهای متقابل و کنش سیاسی سطح فرا منطقه‌ای است. این عوامل در تولید و تداوم رقابت و منازعه بین دو کشور نقش‌آفرین بوده و تحت تأثیر این رقابت و منازعه، به دلیل وابستگی بخش عمده‌ای از جهان تشدید بحران بین ایران و عربستان باعث شکل‌گیری تنش منطقه‌ای و در مرحله بعدی شکل‌گیری چالش در سطح جهانی خواهد شد.

پاسخ به این سؤال‌ها از دریچه دانش سیاسی، مذهبی و اقتصادی قابل بررسی است. اگرچه نقش عوامل فرا-منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی در تحولات منطقه خلیج فارس و جنوب غرب آسیا کم نیست، اما این پژوهش بر چالش‌ها و مناسبات دو قدرت منطقه‌ای جمهوری

جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی از قدرت‌های مهم منطقه خاورمیانه و خلیج‌فارس محسوب می‌شوند که دارای وسعت سرزمینی و منابع عظیم فسیلی و موقعیت ژئوپولیتیک هستند. به علت قرارگرفتن شهرهای و مدینه در عربستان و ادعای آن کشور درخصوص رهبری جهان عرب و جهان اسلام و پیوندهای استراتژیک با غرب و به‌ویژه آمریکا، به‌صورت طبیعی کشوری تاثیرگذار در تحولات منطقه‌ای محسوب می‌شود. پادشاه این کشور نیز به‌عنوان خادم الحرمین‌الشریفین و مجری اصلی برگزاری مناسک حج است. جمهوری اسلامی ایران نیز به لحاظ داعیه رهبری جهان اسلام و به لحاظ سیاست مستقل و استکبارستیز خود، حامی کشورها و نهضت‌های اسلامی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این رقابت در حوزه نفوذ و تاثیرگذاری در میان کشورهای اسلامی بیشتر شد. وقوع انقلاب اسلامی در ایران، همان‌طور که تحول ژرفی در نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی داخل کشور ایجاد کرد، آغازگر تحول درخور توجهی در روندها و گرایش‌های سیاست خارجی ایران نیز بود. حاکمیت ارزش‌های انقلابی، گرایش به آرمان‌های اسلامی، استکبارستیزی، حمایت از مسلمانان، پشتیبانی از مستضعفان، آرمان‌گرایی و غیره از جمله اصولی بودند که روندهای سیاست خارجی را تحت‌تأثیر قرار دادند (Nejati, 2015) و واکنش اعضای نظام بین‌الملل را برانگیختند؛ به‌طوری‌که نه تنها دو ابرقدرت نظام دو قطبی آن زمان، یعنی ایالات متحده و شوروی، بلکه دیگر قدرت‌های جامعه جهانی و تمامی قدرت‌های منطقه خاورمیانه نیز در مقابل سیاست خارجی تجدیدنظرطلب و مواجهه‌جویانه ایران واکنش نشان دادند. در این میان، عربستان به علت ساختار خاص اجتماعی و فرهنگی از دیگر کشورهای خاورمیانه و حتی کشورهای همسایه خود در حوزه جنوبی خلیج‌فارس متمایز است. ساختارهای خاص سیاسی

اسلامی ایران و عربستان سعودی در چارچوب رقابت- های منطقه‌ای تمرکز کرده و تلاش دارد تا از منظر ایدئولوژیک و ژئواکونومی و بررسی آینده دیپلماسی دو کشور به مسئله پژوهش پاسخ دهد.

پژوهش‌های مختلفی در مباحث تحولات سیاسی منطقه خلیج فارس انجام شده است که نزدیکترین آنها به لحاظ موضوعی به تحقیق حاضر، موارد ذیل هستند. Ghasemian et al (2019) در مطالعه ای به بررسی بسترهای کشمکش ایران و عربستان سعودی در بحران سوریه پرداختند و دریافتند که در شکل‌گیری کشمکش بین ایران و عربستان مؤلفه های هویتی- هنجاری نقش بسیار کمی دارند؛ چرا که آنها بیشتر به عنوان کاتالیزورهای تشدید کشمکش عمل می‌کنند. این مؤلفه های هویتی- هنجاری در واقع در قالب دو شکاف عمده تجلی می‌یابند که یکی شکاف مذهبی شیعه- سنی است و دیگری شکاف ملیتی فارس- عرب است. Hosseini و Dehshiri (2016) در بررسی ژئوپلیتیک منطقه و روابط ایران و عربستان معتقدند که انتخاب کد ژئوپلیتیک منطقه‌ای از سوی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی، رقابت طرفین در زمینه مسائل هویتی، امنیتی و تأمین منافع ملی در جنوب غرب آسیا را تحت‌الشعاع قرار داده است. Shafbiei و Ghanbari (2017) نشان داد که رقابت های منطقه ای عربستان و ایران و تلاش آن دو برای برقراری تعادل و توازن استراتژیک در منطقه، آن‌ها را به سمت نوعی جنگ سرد سوق داده است. در این زمینه، Mossalanejad (2017) سیاست‌گذاری موازنه منطقه‌ای در روابط ایران و عربستان را راه‌حل مدیریت امنیت منطقه می‌داند. Mirzaei et al. (2014) در بررسی تأثیر تحولات بیداری اسلامی بر روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی، معتقد هستند که بیداری اسلامی باعث تخاصم و تیرگی روابط میان دو کشور شده است.

در پژوهش های خارجی، Ghoble (2019) واگرایی و تنش میان عربستان سعودی و ایران ناشی از بازی رقابت ایالات متحده و روسیه در منطقه می‌داند. در این زمینه، رابی و مولر اختلافات ایدئولوژیک، سیاسی و حافظه تاریخی شیعه و سنی را در عدم اتحاد و افزایش فرقه گرایی در خلیج فارس مؤثر می‌دانند. این موضوع پیشتر توسط Kuznetsov (2014) مورد تأکید قرار گرفته بود. وی رقابت های ژئوپلیتیکی سنی و شیعه را باعث فرقه گرایی و افزایش تنش در منطقه خلیج فارس بیان کرده بود.

۲. مواد و روش ها

این پژوهش از لحاظ تحلیل داده‌ها توصیفی- پیمایشی و اکتشافی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق از روش مشاهده به طریق پیمایشی و مصاحبه و برای تدوین چارچوب نظری از اسناد، کتاب- ها، نشریه‌ها و مجله‌ها، آمارنامه‌ها و اینترنت استفاده شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات منطقه مورد تحقیق بر حسب اهداف تحقیق، از خبرگان سیاسی استفاده گردیده است. پس از گردآوری داده‌ها، یافته‌های تحقیق با استفاده از روش SWOT مورد تحلیل و جمع‌بندی قرار گرفت و در قالب چهار راهبرد : رقابتی/ تهاجمی(SO)، بازنگری (WO)، تنوع (ST) و تدافعی(WT) مقوله‌بندی گردید.

فرضیه این پژوهش در قالب این جمله بیان شده است: به نظر می‌رسد رقابت ایران و عربستان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی و تأثیر منفی بر مناسبات دو طرف و آینده سیاسی خاورمیانه داشته است.

در یک جهت قرار ندارد و کردهایی که هویت قومی آنان بر هویت مذهبی‌شان تفوق دارد. ترکیب قومی و مذهبی متنوع و متکثر، تجزیه و تحلیل صحنه‌ی سیاسی عراق را با دشواری‌های خاصی همراه کرده است. این پیچیدگی که با حضور گروه نوظهور داعش پررنگتر هم شده است، رویارویی ایران و عربستان را چندبعدی کرده است. اقتضاهای دیپلماسی هوشمندانه ایجاد می‌کند تا دو دولت حداکثر مساعی خود را برای فعلیت بخشیدن به ظرفیت‌های بالقوه به کارگیرند. اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی بین ایران و عراق سبب شد تا «سقوط صدام نه تنها تهدید عراق برای ایران را از بین ببرد بلکه به افزایش نقش و موقعیت ایران در این کشور و منطقه‌ی خلیج فارس منجر شود» (Saei and Alikhani, 2013). بسیاری از گروه‌ها و جریانات سیاسی که در آرایش جدید قدرت در عراق سهیم شدند، سابقه‌ی مرادفات دیرینه - به‌خصوص از دوره‌ی رژیم بعث با جمهوری اسلامی داشتند. عراق بی‌ثبات عاملی مخرب برای امنیت ایران خواهد بود؛ پس استراتژی جمهوری اسلامی ایران در عراق بر حول محور وحدت گروه‌های عراقی استوار است. نمونه‌ی بارز این سیاست در خلال تشکیل دولت در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۴ بود. در جریان انتخابات مجلس سال ۲۰۱۰، علی‌رغم آنکه فهرست العراقیه به رهبری ایادعلوای که مورد حمایت عربستان بود، حائز اکثریت کرسی‌های پارلمانی در قیاس با سایر گروه‌ها شد ولی به واسطه ائتلاف میان گروه دولت قانون به رهبری نوری مالکی و ائتلاف ملی عراق به رهبری مقتدا صدر، ابراهیم جعفری و عمار حکیم، مالکی توانست بار دیگر موفق به تشکیل کابینه شود. تجربه‌ی ای که خشم رقبای منطقه‌ای ایران را برانگیخت. پس از انتخابات پارلمانی ۲۰۱۴ هم ایران نقش مهمی در اتحاد گروه‌های مختلف داشت. جمهوری اسلامی ایران ضمن مخالفت با تداوم حضور نظامیان خارجی در عراق، همواره از روند دموکراتیک در عراق

چهارچوب نظری پژوهش: تحولات منطقه‌ای و بین-المللی در سال‌های اخیر از جمله نقش تأثیرگذار ایران در بحران‌های عراق، سوریه و حضور این کشور در یمن و از طرف دیگر توافق هسته‌ای میان ایران و کشورهای غربی به افزایش قدرت منطقه‌ای ایران انجامیده و موجب نگرانی رقیب منطقه‌ای ایران، عربستان سعودی شده است. با توجه به فضای رئالیستی حاکم بر منطقه خاورمیانه و خلیج فارس، عربستان هرگونه قدرت‌یابی ایران در منطقه را به زیان خود می‌داند و در چارچوب بازی با حاصل جمع صفر در صدد مقابله با قدرت منطقه‌ای ایران برآمده است. از طرفی منطقه خاورمیانه و خلیج فارس به عنوان بخشی از گستره سیستم بین-المللی به دلایل ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاص، همواره در دوران تاریخی خود تاکنون به عنوان بخش مهم و دارای اهمیت مطرح بوده است؛ به خصوص در دوران حاضر مسئله اقتصادی و انرژی بر نقش آن افزوده است. خلیج فارس در زمره مناطقی محسوب می‌گردد که همواره با نشانه‌هایی از منازعه، ستیز و جنگی منطقه‌ای روبه‌رو بوده است.

۳. نتایج

۳-۱. رقابت ایران و عربستان در منطقه در حوزه

سیاسی

۳-۱-۱. رقابت ایران و عربستان از بعد سیاسی

در عراق

در آغاز ضرورت دارد تا تصویری اجمالی از ساختار قومی - مذهبی عراق ترسیم شود. اکثریت ۶۰ الی ۶۵ درصدی شیعیان به همراه اقلیت ۳۰ الی ۳۵ درصدی اهل سنت و نیز اکثریت ۷۵ الی ۸۰ درصدی اعراب به همراه اقلیت ۱۵ الی ۲۰ درصدی اکراد، بافت اجتماعی این کشور با تمدن دیرینه را تا حدودی مشخص می‌کند. گروه‌های سنی که خواهان افزایش سهم خود از قدرت‌اند، گروه‌های پرتعداد شیعی که گهگاه علائق آنان

پیشانی حکمرانان عربستان از موقعیت ایران در عراق جدید، در جمله دیپلمات ارشد و کهنه‌کار آنان، سعودالفیصل به وضوح آشکار است. او حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق را هدیه‌ای در دیس نقره‌ای به ایران نامید.

در مواجهه با این وضعیت، دو استراتژی پیش روی حکام ریاض قرار داشت. استراتژی اول آنان این بود که حتی‌المقدور بر ظرفیت اقوام، قبایل، شیوخ و سیاسیون سنی در عراق تکیه کنند؛ بنابراین «جلوگیری از فشار بر سنی‌ها در عراق و محدود کردن نفوذ منطقه‌ای ایران» (Blanchard, 2010). در دستور کار آنان قرار گرفت. حمایت عربستان از نظام سیاسی جدید عراق، مقید به حضور سنی‌ها در ارکان قدرت است. تلاش آنان برای پر کردن خلأ قدرت پدید آمده ناشی از سقوط بعثی‌ها، با کمک‌های مالی، سیاسی و رسانه‌ای از طیف-ها و شخصیت‌های سنی و احیاناً شیعه همسو، صورت گرفته است. آنان در جریان انتخابات پارلمانی ۲۰۱۰ از فهرست عراقیه به رهبری ایاد علاوی شیعی و سکولار که سیاست‌های مطابقت کاملی با عربستان داشت، پشتیبانی کردند اما در رساندن او به ریاست کابینه ناکام ماندند.

استراتژی دوم که به موازات ناکارآمدی استراتژی نخست به آن توجه شد، تقویت گروه‌های تروریستی بود تا بلکه از قبل آن، دولت‌های علوی دمشق و شیعی بغداد تضعیف شود. حاصل آموزش تروریست‌های تکفیری و تزریق دلارهای هنگفت نفتی به آنان به همراه پشتیبانی‌های لجستیک از بنیادگرایان سلفی، شکل‌گیری گروه دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش است که امروزه خود را دولت اسلامی می‌خواند و گستره‌ی اقدامات خود را آرام آرام از مرزهای عراق و سوریه هم فراتر برده است. ایران از نخستین کشورهای بود که به درخواست کمک عراقی‌ها برای مبارزه با

پشتیبانی کرده است. موضع ایران در قبال کردهای خودمختار عراق هم موضعی روشن و یکنواخت بوده است. ایران کردها را به مشارکت در حکومت مرکزی و پرهیز از پیگیری سیاست‌های جاه طلبانه تشویق کرده است (Ataie et al., 2011). به طور کلی، تعاملات سیاسی ایران و عراق جلوه‌های روشنی دارد. در بحبوحه تشکیل دولت‌ها در عراق، تهران کانون رایزنی‌های گروه-ها و شخصیت‌های ذی‌نفوذ عراقی می‌شود و این منحصر به گروه‌های شیعی هم نیست.

عربستان دیگر بازیگر مؤثر در تحولات داخلی عراق است. منافع آنان در عراق در نقطه‌ی مقابل ایران تعریف می‌شود. تغییر نظم سیاسی عراق که به صورت پیدایش دولت مستقل و دموکراتیک شیعی در همسایگی عربستان ظهور و بروز پیدا کرده است، از دو جهت مایه‌ی دلهره و تشویش خاطر دولتمردان سعودی شده است:

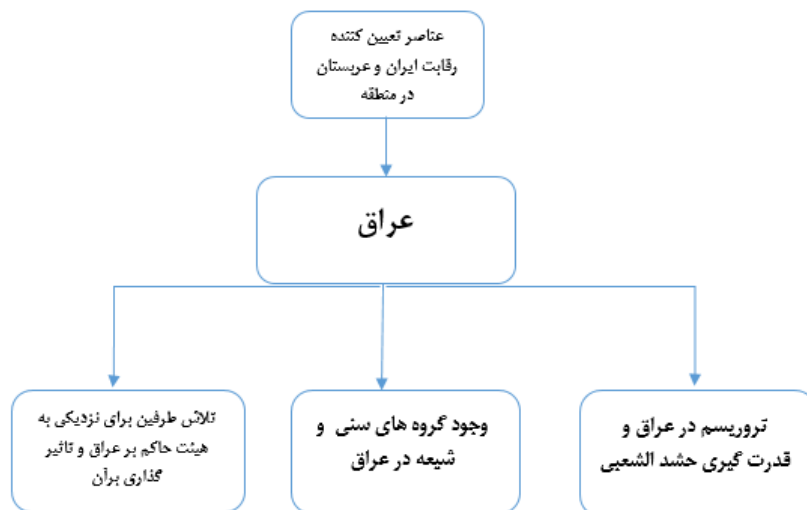
۱- دولت عراق تنها دولت عرب خلیج فارس است که در فرایندی انتخاباتی، سکندار امور شده است و این به معنای بیدارباشی برای اعراب منطقه، از جمله مردم عربستان، است که برای سالیان متمادی تحت حکومت خاندانی سلطنتی قرار گرفته اند.

۲- حضور شیعیان در رأس هرم سیاسی عراق و نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در این کشور، به منزله‌ی برقراری ترتیبات سیاسی و امنیتی جدیدی در محیط عربی-اسلامی منطقه است که موقعیت سعودی‌ها را در مرز هشدار قرار داده است.

نفس فرایند دموکراتیک در عراق، شاید چندان تهدیدکننده منافع عربستان نباشد؛ بلکه محصول و مولود این مردم سالاری که عراق متحد با ایران را منتج می‌شود، باعث شده است تا پایه‌های ادعای ریاض مبنی بر قدرت فائق بودن در منطقه، دستخوش تزلزل شود.

حفظ کرد» (hamshahronline, 2014). در شکل ۱ عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در عراق نشان داده شده است.

داعش پاسخ مثبت داد. نقش تعیین کننده ایران در مقابله با داعش تا حدی است که روزنامه انگلیسی گاردین مدعی شود: «نقش ایران در عراق بسیار مهم است و سلیمانی - فرمانده سپاه قدس ایران - بغداد را



شکل ۱: عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در عراق

متفاوت در بستر سیاسی- اجتماعی عراق، انزوای بیش- ازپیش عربستان در افکار عمومی جامعه عراق، چسبندگی فزاینده تهران بغداد و نهایتاً تبدیل شدن عراق به یکی از اضلاع مستحکم ژئوپلتیک شیعه در منطقه خواهد بود.

۲-۱-۱-۳. رویکرد دو کشور در حوزه رقابت

سیاسی عراق

رقابت ایران و عربستان در عراق متکی بر دو رویکرد متفاوت است: رویکرد قدرت نرم محور و رویکرد قدرت سخت محور. این دو الگوی رفتاری، انتزاع یافته از انگاره‌های متعارض و مبتنی بر ماهیت ادراک طرفین از یکدیگر و محیط خارجی است. اتکای قدرت نرم ایران بر اشتراکات فرهنگی، نفوذ سیاسی، پیوندهای مذهبی، مؤلفه های وحدت بخش هویتی و در نهایت جذب افکار عمومی است که نتیجه این دیپلماسی عمومی، همراهی دیپلماسی رسمی عراق و افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه است. قدرت سخت عربستان متکی بر سازماندهی حرکت های بنیادگرایانه، تسلیح گروه های معارض، تطمیع و تهدید قبایل و گسترش خشونت و ناامنی باهدف تضعیف هلال شیعی ادعایی است. پیامد قهری استعمال این دو راهبرد

۲-۱-۲. رقابت ایران و عربستان از بعد سیاسی در

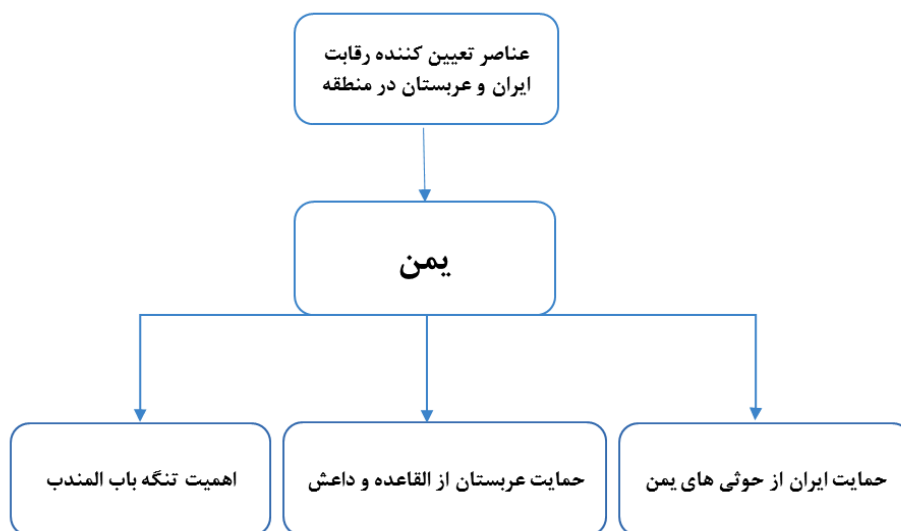
یمن

یمن کشوری در غرب آسیاست که با نگاهی اجمالی و گذرا به ترسیمات جغرافیایی، می توان به موقعیت ژئواستراتژیک آن در منطقه واقف شد. در جنوب غربی یمن و در دهانه دریای سرخ، آب راه باب‌المندب قرار دارد. این آبراه حیاتی، گذر انرژی از خلیج فارس به آمریکا و اروپا را امکان پذیر ساخته و باعث قرار گرفتن یمن در مسیر تجارت بین‌المللی و مرکز ثقل مبادلات انرژی شده است. کشوری با جمعیت بالغ بر ۲۲ میلیون

نفر که حدود ۴۰ درصد آن را شیعیان (با اکثریت زیدی) و ۵۵ درصد را اهل سنت (با اکثریت شافعی) تشکیل می‌دهند (Fozi, 2012).

شیعیان زیدی یمن از دیرباز تاکنون نقش مهمی در تحولات داخلی یمن ایفا کرده‌اند. رهبری جریان زیدی در یمن با جنبش الحوثی است. نام این تشکیلات برگرفته از نام حسین بدرالدین حوثی فرزند علامه بدرالدین حوثی است. حسین حوثی بنیانگذار جنبش انقلابی شیعیان یمن بود که در سال ۱۹۹۱ در تأسیس حزب حق نقشی تعیین کننده داشت و پس از مدتی و در سال ۱۹۹۷ جنبش جوانان مؤمن را پایه‌گذاری کرد. وی ارادت عمیقی به انقلاب اسلامی ایران داشت. سید

حسین در درگیری سال ۲۰۰۴ با ارتشیان یمنی و پس از سه ماه مقاومت به شهادت رسید. اندیشه‌های ایدئولوژیک حوثی‌ها عمیقاً از افکار و بینش سید حسین تأثیر می‌پذیرد و این همان نکته‌ای است که رهبری فعلی آنها یعنی عبدالملک حوثی - برادر کوچکتر سید حسین - به آن اشاره دارد و معتقد است که هرچه داریم از برادرم است. حوثی‌ها از سال ۲۰۰۴ اعتراضات علنی خود را آغاز کردند که ماحصل آن وقوع شش جنگ در طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ با دولت مرکزی به رهبری علی عبدالله صالح بود. در شکل ۲ عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در یمن نشان داده شده است.



شکل ۲: عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در یمن

۳-۱-۳. رقابت ایران و عربستان از بعد سیاسی در

سوریه

از میانه سال ۲۰۱۱ که بی‌ثباتی‌های سیاسی از تونس به مصر، اردن، یمن، بحرین گسترش یافت، عربستان سعودی به مثابه نیروی ضدانقلاب به پشتیبانی از رژیم‌های سیاسی مستقر پرداخت. از طرفی ایران که از ۱۹۷۹ به مثابه یک جمهوری انقلابی با ایدئولوژی اسلام

سیاسی شناخته می‌شود، از انقلاب‌های مردمی دنیای عربی تحت عنوان بیداری اسلامی حمایت کرد. اما هنگامی که سوریه از بهار ۲۰۱۱، دستخوش ناآرامی و بی‌ثباتی‌های سیاسی فزاینده شد، ایران در برابر معارضان به پشتیبانی از حکومت سوریه پرداخته است. از طرفی عربستان سعودی که در طول حیاتش و نیز از میانه سال ۲۰۱۱، به عنوان یک نیروی ضدانقلابی شناخته شده است؛ درخصوص سوریه بر خلاف سایر

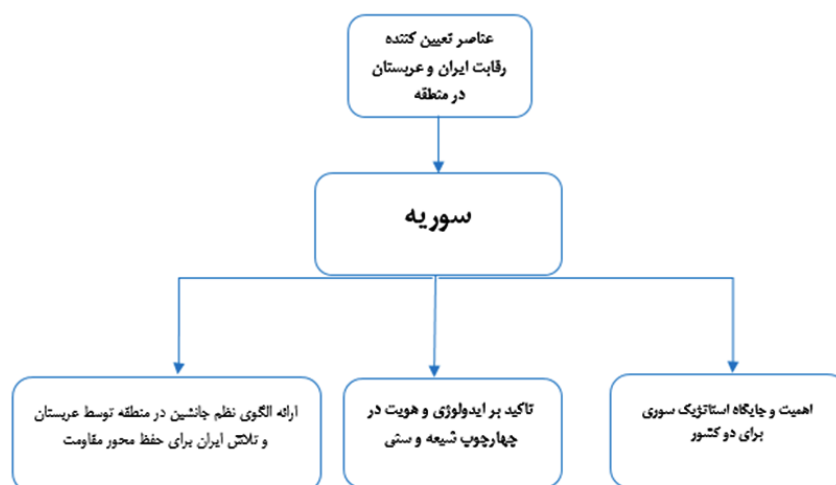
به رهبری ناصر به حمایت از مواضع پادشاهی سعودی پرداخت. ایران از سویی از اوایل دهه ۱۹۶۰ دوباره به اسرائیل نزدیک شده بود و از دیگر سوی پیوندهایی نزدیک با پادشاهی سعودی برقرار کرده بود (Fuller, 1991). بنابراین، ایران پس از فروپاشی ائتلاف مقابل جویانه قاهره، ریاض و سوریه بر ضد بغداد، به پادشاهی سعودی علیه سوریه و دیگر جمهوری‌های انقلابی خاورمیانه عربی پیوست که نیات و مقاصدی تهدیدآمیز برای پادشاهی‌های محافظه کار و غربگرای ایران و عربستان داشتند.

۳-۱-۳-۱. سوریه و ایران علیه عربستان

اتحاد جمهوری اسلامی ایران و سوریه علاوه بر کارکردی که علیه تهدیدات مشترک اسرائیل و در برهه‌هایی عراق و ترکیه و همچنین هژمونی ایالات متحده داشته، علیه نفوذ منطقه‌ای عربستان سعودی به ویژه در حوزه شرقی مدیترانه نیز به خوبی عمل کرده است. حوزه لبنان و سرزمین‌های فلسطینی به لحاظ فقدان اقتدارهای نیرومند ملی و نیز تجاوزات اسرائیل به حوزه‌های نفوذپذیر در کرانه شرقی مدیترانه تبدیل شده است (Shaffer, 2011). رقبای منطقه‌ای که در جستجوی افزایش نفوذ به هزینه یکدیگرند، لبنان و سرزمین‌های فلسطینی را به لحاظ اینکه دچار خلأ حاکمیت قدرتمند هستند، برای گسترش حوزه نفوذشان جذاب یافته‌اند. از جمله این رقبا در طول سه دهه گذشته ایران و عربستان بوده‌اند که به حوزه شرقی مدیترانه نفوذ کرده‌اند. در حوزه فلسطین، ایران با توجه به وجوه مشترک ایدئولوژی اسلام سیاسی پیوندهایی نزدیک با حماس برقرار کرده است و عربستان به همکاری‌های نزدیک‌تر با فتح روی آورده است. در شکل ۳ عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در سوریه نشان داده شده است.

کشورهای عربی دستخوش بی ثباتی، از معارضان در برابر رژیم سیاسی سوریه پشتیبانی کرده است. پشتیبانی عربستان سعودی به عنوان یک پادشاهی محافظه کار از معارضان در سوریه و حمایت ایران به عنوان دولتی انقلابی از حکومت سوریه، سبب شده است که مسئله حضور ایران و عربستان در بحران سوریه بحث برانگیز شود. چرا که ایران و عربستان به رغم اینکه دو دولت مؤثر و مسلمان در خاورمیانه محسوب می‌شوند، برای پایان دادن به بحران سوریه وارد همکاری نمی‌شوند.

احتمالاً ریشه اتحاد ایران و سوریه را عوامل سیستماتیک نظام بین‌الملل تبیین می‌کند. سوریه رژیمی سکولار و ایران حکومتی مذهبی است (Hinnebusch and Ehteshami, 2002). به رغم این تفاوت‌ها برای تبیین اتحاد ایران و سوریه، باید به عوامل ساختاری بین‌المللی و منطقه‌ای توجه نماییم. تا پیش از ۱۹۷۹، ایران یکی از متحدان غرب در خاورمیانه محسوب می‌شد و در نظام اتحادهای منطقه‌ای، ایران جزو دولت‌های محافظه‌کار و حافظ وضع موجود تلقی می‌شد. در ۱۹۵۵ ایران در پیوند با پادشاهی غربگرای عراق به پیمان بغداد پیوست. عراق که سودای هژمونی بر دنیای عرب را در ایده پیمان بغداد جستجو کرد با واکنش یک ائتلاف توازن بخش به رهبری قاهره مواجه شد. ناصر توانست سوریه، عربستان و یمن شمالی را علیه بغداد گرد هم آورد. با کودتای ۱۹۵۸، عراق از پیمان بغداد خارج شد و سازمان معاهده مرکزی با عضویت ترکیه، ایران، پاکستان و بریتانیا جای اتحادیه غربگرای پیمان بغداد را گرفت و سپس ائتلاف مصر، سوریه، یمن شمالی و عربستان که به ابتکار قاهره علیه پادشاهی غربگرای بغداد شکل یافته بود، به سرعت دستخوش افتراق شد. هنگامی که جنگ داخلی یمن در گرفت، پادشاهی ایران علیه جمهوری‌های انقلابی عربی



شکل ۳: عناصر تعیین کننده رقابت ایران و عربستان در سوریه

۳-۱-۲-۳. رویکرد دو کشور ایران و عربستان در

حوزه سیاسی سوریه

سوریه به عنوان یک بازیگر منطقه‌ای که جایگاه ویژه‌ای در معادلات استراتژیکی و ژئوپلیتیکی خاورمیانه دارد، به عرصه رقابت دو قدرت ایران و عربستان تبدیل شده است. به طور کلی راهبردهای متعارض ایران و عربستان در خصوص بحران فعلی را می‌توان بر محور دو استراتژی کلی حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود تبیین کرد. با توجه به جایگاه سوریه در ائتلاف سه گانه استراتژیک ایران، سوریه و حزب الله لبنانی و هژمونی آمریکا و متحدانش در منطقه، یعنی عربستان، اسرائیل و ترکیه در خاورمیانه، ایران به دنبال حفظ محور مقاومت در منطقه با حمایت از بقای سیاسی اسد است. زیرا در صورت سقوط رژیم اسد و روی کار آمدن مخالفان، در مرحله اول قدرت مانور ایران در منطقه شرق مدیترانه به شدت کاهش پیدا خواهد کرد. سپس با روی کار آمدن رژیمی که متحد استراتژیک عربستان سعودی در منطقه باشد، موازنه منطقه‌ای به نفع عربستان و به ضرر ایران تغییر اساسی خواهد کرد که نتیجه آن افزایش تهدیدات امنیتی ایران در منطقه است. در

همین راستا راهبرد درپیش گرفته توسط عربستان سعودی که مبتنی بر تغییر وضعیت موجود است، استراتژی حمایت از مخالفان در مقابل رژیم اسد و سقوط رژیم سیاسی سوریه است، که حلقه واسطه محور استراتژیک ایران در حوزه شمالی خاورمیانه است و از طریق آن گروه طرفدار خود در لبنان و فلسطین را حمایت می‌کند. به این ترتیب عربستان قدرت مانور بیشتری در حمایت از گروه طرفدار خویش در لبنان و فلسطین در مقایسه با ایران به دست خواهد آورد. این مسئله در ارتباط با رویکرد متفاوت عربستان نسبت به ایران در مسئله صلح اعراب و اسرائیل صدق می‌کند. در مرحله دوم، در صورت سقوط دولت اسد و روی کار آمدن مخالفان، عربستان به دو هدف اساسی خویش در منطقه در رقابت با ایران دست پیدا خواهد کرد. نخست آنکه سقوط دولت اسد به معنای از بین رفتن تنها متحد استراتژیک و عرب ایران در منطقه است، و دومین موضوع آن است که در صورت روی کار آمدن مخالفان و نزدیک شدن دولت جدید به عربستان، وزن استراتژیک عربستان در مقایسه با رقیب استراتژیکش در منطقه، یعنی ایران فزونی خواهد یافت و در نتیجه

تهدیدهای امنیتی در منطقه به نفع عربستان کاهش و به ضرر ایران افزایش پیدا خواهد کرد.

۳-۱-۴. رقابت ایران و عربستان از بعد سیاسی در

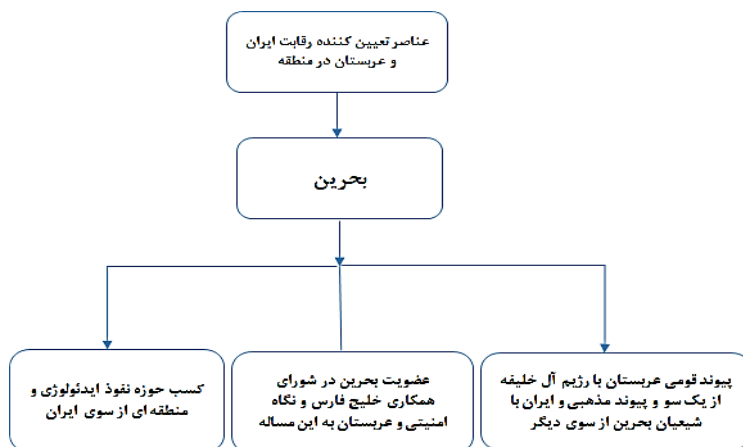
بحرین

شاید تصور آن که کشوری مجمع الجزایری با مساحت اندک ۷۰۰ کیلومترمربع و جمعیت ناچیز ۱۱۰۰۰۰۰ نفر-که فاقد هرگونه مرز زمینی با همسایگان خود است-آنچنان در کانون توجهات قدرت های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای قرار گیرد که به مجرد وقوع کوچکترین تحولی در آن کشور، بازیگران مؤثر منطقه‌ای و بین-المللی را به اتخاذ موضع و تکاپوی سیاسی و بعضاً دخالت نظامی وادار می کند، در نگاه اول اندکی دشوار به نظر آید. آن چه که بحرین را از چنین جایگاه مهمی برخوردار می کند، موقعیت ممتازش در منطقه‌ی ژئوپلیتیک خاورمیانه از یک جهت و مختصات فرهنگی و سیاسی حاکم بر این کشور از جهت دیگر است.

اگرچه قطعنامه ۲۷۸ شورای امنیت سازمان ملل در سال ۱۹۷۱ حکم به جدایی بحرین از ایران و استقلال

آن کشور داد اما هویت شیعی و ایرانی اکثریت ساکنان این کشور به همراه اشتراکات فرهنگی و نژادی که منبعث از تعلق قلمرویی این سرزمین به ایران در گذشته است، باعث شده است تا تحولات بحرین در منظومه راهبردی سیاست خارجی ایران از جایگاه منحصر به فردی برخوردار شود.

بحرین در نگاه تصمیم گیران سیاست خارجی عربستان نیز اهمیتی فوق العاده دارد. شیعیان ایالات شرقی عربستان در نزدیکی بحرین ساکن‌اند و به سبب پیوندهای خویشاوندی و مذهبی، روابط نزدیکی با بحرین دارند. «بحرین حلقه وصل عربستان از طریق خلیج فارس به تنگه هرمز و آبهای آزاد است و نقشی محوری در توازن قوا در منطقه دارد» (Saei and Alikhani, 2013). مجموعه عوامل احصا شده موجب شده است تا بحرین به یکی از مهمترین منابع تنش و نزاع بین ایران و عربستان علی‌الخصوص در دوران پس از انقلاب اسلامی تبدیل شود. در شکل ۴ عناصر تعیین کننده رقابت سیاسی ایران و عربستان در بحرین نشان داده شده است.



شکل ۴: عناصر تعیین کننده رقابت سیاسی ایران و عربستان در بحرین

ایران نشانه گرفتند و جمهوری اسلامی را به طراحی و رهبری آن متهم کردند. ایران در همان مقطع، انتساب کودتا به خود را رد کرد. نائف بن عبدالعزیز که

نخستین چالش جدی در این راستا، به قائله کودتای نافرجام دسامبر ۱۹۸۱ در بحرین برمی‌گردد. کودتایی که پس از آن مقامات بحرین انگشت اتهام را به سمت

مسئولیت وزارت کشور عربستان را عهده‌دار بود، بلافاصله ایران را به توطئه اخلال علیه عربستان متهم کرد و «ایرانی‌ها را تروریست‌های خلیج (فارس) نامید» (Dekmejian, 1995). در ۲۰ دسامبر همان سال و تنها یک هفته پس از خنثی سازی کودتای ادعایی، عربستان یک قرارداد امنیتی با بحرین منعقد می‌کند تا نشان دهد که نسبت به حفظ نظام سنتی حاکم در کوچکترین عضو شورای همکاری خلیج فارس، کاملاً مصمم و جدی است.

۳-۱-۴-۱. رویکرد دو کشور در حوزه رقابت سیاسی بحرین

«اولین تظاهرات معترضان بحرینی با اجتماع در میدان لؤلؤ در روز ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ موسوم به روز خشم، مصادف با دهمین سالروز اعلام منشور عمل ملی از سوی حمد بن عیسی آل خلیفه-پادشاه بحرین-در سال ۲۰۰۱ برای انجام اصلاحات در بحرین صورت گرفت» (Ebrahimi, 2012). فساد شدید حکمفرما در نظام بسته و اقلیتی موجود در بحرین در کنار رویکردهای تبعیض آمیز حکومت علیه شیعیان، که گرچه نسبت بالایی از جمعیت این کشور را شامل می‌شوند اما از بسیاری از حقوق اولیه و ابتدایی خود محروم‌اند، دست به دست هم دادند تا مردم به خیابان‌ها بیایند و خواهان حق رأی برابر و تعیین سرنوشت خود شوند. معنای گزاره‌ی یادشده کاملاً آشکار است. رهاورد برگزاری انتخابات سالم و آزاد در کشوری که ۷۵ درصد جامعه آن را شیعیان تشکیل می‌دهند، روی کار آمدن حکومتی است که در تقابل با سیاست‌های منطقه‌ای عربستان تعریف خواهد شد. عربستانی که دولت دموکراتیک برآمده از رأی مردم در عراق را هم‌سو با رقیب سنتی خود یعنی ایران می‌بیند، از تکرار شدن این تجربه دردناک در بحرین به شدت نگران است.

تغییرات سیاسی در بحرین، تغییر موازنه ی قدرت در منطقه را در پی خواهد داشت؛ بنابراین نگاه عربستان به فعل و انفعالات داخلی بحرین از منظر توسعه و بسط نفوذ ایدئولوژیک-ژئوپلیتیک ایران در آن کشور قابل تحلیل است. این مسأله زمانی شکل حادثی به خود می‌گیرد که تأثیرپذیری و تعلق خاطر رهبران اعتراضات مردمی در بحرین به مبانی عقیدتی و ارزشی جمهوری اسلامی مورد تعمق و واکاوی قرار گیرد. شیعیان خلیج فارس خصوصاً شیعیان بحرین از عوامل اصلی قدرت نرم و عمق استراتژیک ایران محسوب می‌شوند. شیخ علی سلمان دبیر کل حزب الوفاق بحرین-مهمترین حزب مخالف حکومت-نظام ایران را بی‌نظیر خوانده و آن را بر مبنای سنت نبوی و فقه امامی معرفی می‌کند. او نظام جمهوری اسلامی را بهترین روش برای حفظ انسانیت انسان و ارج نهادن به آن می‌داند (Najafi and Bolandian, 2013).

سقوط رژیم آل خلیفه در بحرین به مثابه شکستی سنگین و حیثیتی و از دست دادن یکی از متحدان دیرین و خوش سابقه برای حکومت عربستان سعودی قلمداد می‌شود. از این حیث و در راستای دکترین امنیت منطقه ای، ملک عبدالله بن عبدالعزیز، پادشاه وقت عربستان که امنیت بحرین و عربستان را تقسیم ناپذیر می‌داند و آن‌ها را دو جسم با یک روح می‌خواند- (Teitelbaum, 2011) در اقدامی پیش-دستانه و همراه با سکوت تأییدگونه مجامع بین‌المللی، به مداخله نظامی آشکار در بحرین دست می‌زند و در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ با ۱۵۰۰ نیروی نظامی که یک سوم آن‌ها را سربازان اماراتی تشکیل می‌دهد؛ تحت عنوان نیروی سپر جزیره وارد خاک بحرین می‌شود. باوجود آنکه انقلاب بحرین از بسیاری جهات مشابه سایر قیام-

های مردمی در کشورهای منطقه است و در دیگر کشورهای عربی، خیزش‌ها و انقلاب‌های مردمی، صبغه مذهبی و قومی-طایفه‌ای به خود نمی‌گیرد ولی هرگونه مخالفت مردمی در بحرین سریعاً با عناوینی چون شورش فرقه‌ای، تحریکات خارجی، شیعه‌گری و ... مورد سرکوب رسانه‌ای و فیزیکی واقع می‌شود. عربستان حمایت از خاندان آل خلیفه-که در اصل از قبایل ساکن سرزمین نجد در عربستان هستند-را از اصول لایتغیر سیاست خارجی خود می‌داند و از سرایت مبارزات

شیعیان بحرین به مناطق نفت‌خیز شرقی خود نظیر قطیف و احساء نگران است. این همان موضوعی است که هنری کیسینجر آمریکایی به آن اشاره دارد و اذعان می‌کند که «منبع خطر انقلاب بحرین، ویژگی خاموش نشدنی بودن آن است و خطر انتقال آن به عربستان بسیار نزدیک است» (Reza'ee and Jahanian, 2014). در جدول ۱، رویکرد سیاسی دو کشور ایران و عربستان در منطقه بر اساس حیطة نفوذ به طور خلاصه ذکر شده است.

جدول ۱: رویکرد سیاسی ایران و عربستان در منطقه بر اساس حیطة نفوذ

عربستان	ایران
حمله نظامی، حمایت از القاعده و داعش، کنترل حوثی‌ها	حمایت از انصارالله به منظور مقابله با عربستان
نا آرام کردن این کشور، فشار به دولت شیعی در جهت وارد ساختن اعراب سنی به ساختار این کشور	کمک به شیعیان کشور در جهت اتحاد هرچه بیشتر برای اداره سیاسی کشور و کمک به گروه‌های نظامی و شبه نظامی
ارائه نظم جانشین	حفظ محور مقاومت
حفظ پادشاهی‌های محافظه کار	حمایت از اکثریت شیعه

۲-۳. تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک در روابط

دو کشور

با استفاده از جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی و ترکیب آن‌ها، مهم‌ترین عوامل استراتژیک در روابط دو کشور ایران و عربستان و و آینده سیاسی آنان در منطقه، در ماتریس خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک، ارائه شده است. در واقع، با تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک، برنامه‌ریزانی که تصمیم‌های استراتژیک را اتخاذ می‌کنند، می‌توانند نقاط قوت، نقاط

ضعف، تهدیدها و فرصت‌ها را به تعداد کمتری از عوامل محدود نمایند. این کار با بررسی دوباره وزن‌های هر یک از عوامل موجود در جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی، انجام گرفته است. در واقع، سنگین‌ترین عوامل موجود در این دو جدول، باید به جدول تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک منتقل شوند. در این مرحله از آن جایی که مجموع وزن‌ها باید یک شود نیاز به تعدیل و تغییر وزن‌های قبلاً محاسبه شده در دو جدول مذکور است (Hunger and Wheelen, 2013).

جدول ۲: ماتریس خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک

برنامه‌ریزی			امتیاز وزنی	درجه‌بندی	وزن	عوامل استراتژیک
بلندمدت	میان‌مدت	کوتاه‌مدت				
*		*	۰/۲۱۵	۵	۰/۰۴۳	S1= بعد جغرافیایی منطقه
*	*	*	۰/۱۱۱	۳	۰/۰۳۷	S2= بعد مذهبی ایران و عربستان در منطقه
	*	*	۰/۱۰۵	۳	۰/۰۳۵	S3= بعد سیاسی امنیتی
*			۰/۰۹۳	۳	۰/۰۳۱	S4= بعد روابط خارجی در منطقه
	*	*	۰/۳	۴	۰/۰۷۵	W1= بعد روابط خارجی در جهان
*	*	*	۰/۲۹۲	۴	۰/۰۷۳	W2= کاهش تنش در منطقه و همگرایی بیشتر
	*	*	۰/۳۴	۵	۰/۰۶۸	W3= اوپک متحد
*	*	*	۰/۱۸۶	۳	۰/۰۶۲	W4= کاهش دست‌درآزی آمریکا و اروپا در منطقه
*	*	*	۰/۴	۴	۰/۱	O1= کاهش نفوذ گروه‌های افراطی
*	*	*	۰/۳۲	۴	۰/۰۸	O2= تسلط بیشتر بر بازار نفت و گاز منطقه
		*	۰/۲۸	۴	۰/۰۷	O3= کاهش گسترش بیشتر اسرائیل در منطقه
*	*	*	۰/۱۲	۳	۰/۰۴	O4= کاهش جنگ نیابتی در منطقه
	*	*	۰/۲۸۸	۴	۰/۰۷۲	T1= بالا بردن امنیت در منطقه
*	*	*	۰/۲۸۸	۴	۰/۰۷۲	T2= کاهش خرید تسلیحات و ورود آن به منطقه
*		*	۰/۲۱۶	۳	۰/۰۷۲	T3= جذب توریست به خاورمیانه
*	*	*	۰/۲۸	۴	۰/۰۷	T4= اتحاد در بین مسلمانان
			۳/۸۳		۱	جمع

۳-۳. ماتریس راهبردهای آینده روابط سیاسی دو کشور ایران و عربستان

ماتریس SWOT امکان تدوین چهار انتخاب یا راهبرد متفاوت را فراهم می‌آورد. البته، در عمل برخی از راهبردها با یکدیگر هم‌پوشانی داشته، یا به طور هم‌زمان و هماهنگ با یکدیگر به اجرا در می‌آیند. در واقع، برحسب وضعیت سیستم چهار دسته راهبرد را که از

نظر درجه کنشگری متفاوت هستند، می‌توان تدوین کرد (Golkar, 2006): هر یک از این راهبردها بر اساس ماتریس خلاصه تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک تنظیم می‌گردد. جدول ۳ راهبردهای چهارگانه این پژوهش را از دیدگاه خبرگان سیاسی نشان می‌دهد.

جدول ۳: ماتریس راهبردهای آینده روابط سیاسی دو کشور

عوامل درونی		تحلیل SWOT
نقاط ضعف	نقاط قوت	
۱- افراطی‌گرایی مذهبی ۲- نفوذ قدرت‌های جهانی در منطقه ۳- گروه‌های تروریستی در منطقه ۵- دو دستگی بین شیع و سنی در منطقه ۶- نفوذ اسرائیل در منطقه ۷- عدم همدلی میان مسلمانان	۱- مستعد بودن منطقه برای سرمایه‌گذاری ۲- بالا بردن امنیت در منطقه ۳- کاهش دست‌درازی آمریکا و اروپا در منطقه ۴- کاهش جنگ نیابتی در منطقه ۵- کاهش نفوذ گروه‌های افراطی ۶- تسلط بیشتر بر بازار نفت و گاز منطقه ۷- کاهش تنش در منطقه و همگرایی بیشتر ۸- کاهش گسترش هرچه بیشتر اسرائیل در منطقه ۹- وجود امنیت برای گردشگران در منطقه ۱۰- کاهش خرید تسلیحات و ورود آن به منطقه	عوامل بیرونی
راهبردهای بازنگری (WO)	راهبردهای رقابتی / تهاجمی (SO)	فرصت‌ها
۱- بازنگری جهت رفع نقاط ضعف روابط دو کشور از طریق بهره‌برداری بهینه از فرصت‌های پیش‌رو ۲- گسترش روابط در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی به‌ویژه از راه تخصیص مجدد منابع	استفاده مطلوب از نقاط قوت روابط دو کشور در جهت بهره‌برداری از فرصت‌های پیش‌رو در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی	۱- توانایی جذب گردشگر خارجی ۲- ایجاد و افزایش انگیزه برای مسافرت ۳- افزایش سرمایه‌گذاری دولتی خارجی در منطقه ۴- افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی در منطقه ۵- وجود نیروهای متخصص بومی برای معرفی پتانسیل‌ها در منطقه
راهبردهای تدافعی (WT)	راهبردهای تنوع (ST)	تهدیدها
رفع موانع بالفعل و بالقوه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در روابط دو کشور	تنوع‌بخشی و ارتقاء نقاط قوت تقویت روابط دو جانبه جهت مقابله با تهدیدهای پیش‌روی روابط دوستانه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی	۱- بالا بودن تنش بین دو کشور ۲- فقدان امنیت منطقه ۳- مدیریت ناکارآمد نفت منطقه ۴- پایین بودن اراده‌ها برای روابط دوستانه ۵- تغییر بدون برنامه کاربردی اراضی ۶- رقابت سایر قدرت‌ها در جهان برای نفوذ هر چه بیشتر ۷- استفاده نامطلوب از مذهب و فرهنگ در روابط دو کشور

۴. بحث و نتیجه‌گیری

ایران و عربستان سعودی با توجه به ظرفیت‌ها و ویژگی‌های خود، دو کشور مهم و تعیین کننده در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس محسوب می‌شوند که دلایل گوناگونی سبب تنش مداوم در روابط این دو کشور شده است. رقابت‌های ایدئولوژیک و ژئوپلتیک ایران و سعودی در عراق، لبنان، منطقه خلیج فارس و در قبال تحولات اخیر بحرین، یمن و نیز مواجهه غیر مستقیم آنها در سوریه، تجلی حاکم شدن الگوی «تعارضی» است. از سوی دیگر در سطح ساختاری نظام بین‌الملل، نفی نقش ثبات بخش ایران در نظم منطقه و تشدید پروژه ایران‌هراسی به ویژه در موضوع برنامه هسته‌ای صلح آمیز ایران و در سطح منطقه‌ای پرتو شدن عنصر شیعی در سیاست‌های منطقه‌ای در پرتو تحولات عراق و سپس لبنان به حساسیت اعراب و عربستان سعودی در قبال ایران انجامید. فشار عربستان و متحدانش به دولت شیعی عراق، تلاش برای تضعیف جریان حزب‌های شیعه در لبنان، حمایت از حاکم سنی بحرین و ممانعت از استقرار دموکراسی و قدرت‌یابی شیعیان در بحرین و خارج کردن سوریه از صف متحدان ایران از طریق تغییر رژیم در این کشور با حمایت از گروه‌های تندرو و جهادی سنی/ سلفی، تجلی تعارض میان ایران در مقابل عربستان و غرب متأثر از سه عامل هویتی، ژئوپلتیکی و ساختاری بوده است. در حال حاضر با توجه به تحولات منطقه‌ای از جمله بحران سوریه، عراق و یمن و توافق هسته‌ای ایران و کشورهای غربی، قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران افزایش یافته و این موضوع از نظر عربستان تهدیدی علیه این کشور می‌باشد. همین امر سبب افزایش تنش‌ها و اختلافات در روابط این دو کشور شده است که با توجه به ادراک دو

کشور از یکدیگر می‌تواند افزایش یافته و ادامه پیدا کند. با توجه به موارد مذکور و قدرت گیری ایران در منطقه عربستان مسیر راه برای نفوذ هر چه بیشتر آمریکا و اسرائیل به منطقه باز کرده‌اند و روابط نزدیکی با اسرائیل ایجاد کرده است. بنابراین روشنی رویکرد روابط سیاسی در آینده دو کشور مبهم و رو به تیرگی می‌باشد.

References:

- Ataie, F., Ghaderi Kangavari, R. and Ebrahimi, N. 2011. Public Diplomacy and Soft Power: Iran and America in the New Iraq. *Political Quarterly: Politics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science*. 41(3): 189-203. (In Persian)
- Blanchard, C. M. 2010. Qatar: Background and US relations. Library of Congress Washington DC Congressional Research Service.
- Dekmejian, R. H. 1995. Islam in revolution: fundamentalism in the Arab world. Syracuse University Press.
- Ebrahimi, S., Salehi, M. R. and Parsaei, S. M. 2012. A Study of United States and Saudi Arabia's Reactions to people's Uprising in Bahrain (2011-2012). *International and Political Research Quarterly*. 4(10): 111-142. (In Persian)
- Eftekhari, A. and Naderi Beni, E. 2016. The Impact of Islamic Awakening on the Future of Saudi Political System. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*. 6(2): 27-53. (In Persian)
- Fozi, Y. 2012. Cause of formation and nature of political movements in middle east. Case of Study: Political Movement in Yemen. *Political Studies of Islamic World*. 1(1): 17-34. (In Persian)
- Fuller, G. 1991. The center of the universe: the geopolitics of Iran. Westview Press.
- Ghasemian, R.; Simbar, R. and Jansiz, A. 2019. The Foundations of the Iran-Saudi Arabia Struggle in the Syrian Crisis. *Research Journal on Islamic Revolution*. 9(30): 217-238. (In Persian)
- Ghoble, V. T. 2019. Saudi Arabia-Iran Contention and the Role of Foreign Actors. *Strategic Analysis*. 43(1): 42-53.
- Golkar, K. 2006. Adaptation of Analytical Technique SWOT in order to be used in urban planning. *Sofe Scientific-Research Journal*. 15(41): 44-65. (In Persian)
- Hinnebusch, R. A. and Ehteshami, A. (Eds.). 2002. The foreign policies of Middle East states. Lynne Rienner Publishers.
- Hosseini, S. M. H. and Dehshiri, M. R. 2016. Regional Geopolitics and Iran-Saudi Arabia Relations. *Foreign Relations*. 8(1): 111-143. (In Persian)
- <https://www.hamshahrionline.ir/news/274989> .16 October 2014. Guardian: General Soleimani saved Baghdad.
- Hunger, J. D. and Wheelen, T. L. 2013. Essentials of strategic management. Pearson.
- Kuznetsov, A. 2014. The Sunni-Shi'ite Rivalry and Its Influence On The Geopolitical Situation Of The Middle East. *Vestnik MGIMO University*. 36(3): 146-155.
- Mirzaei, J. Hemayatian, E. and Khajouei, M. H. 2014. Impact of Islamic Awakening Developments on Relations between Iran and Saudi Arabia. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*. 4(2): 151-179. (In Persian)
- Mossalanejad, A. 2017. Regional Balance Policy in Iran-Saudi Arabia Relations. *Political Quarterly: Politics Quarterly: Journal of Faculty of Law and Political Science*. 46(4): 1067-1087. (In Persian)
- Najafi, M. S. and Bolandian, G. 2013. The Impact of the Islamic Revolution of Iran on the Formation of Islamic Awakening in Bahrain. *Journal of Islamic Revolution Studies*. 10(33): 189-208. (In Persian)
- Nejati, H. 2015. The Impact of the Islamic Revolution on Saudi Arabia. Available at: www.ensani.ir. The website of the Institute of Humanities and Cultural Studies. (In Persian)
- Rahmanian, H. 2016. Saudi Arabia. Office of Political and International Studies, Ministry of Foreign Affairs. (In Persian)
- Reza'ee, M. and Jahanian, S. 2014. Bahrain's Revolution, Islamic Awakening and Reasons of Its Failure. *Journal of Islamic Revolution Studies*. 11(36): 202-183. (In Persian)
- Saei, A. and Alikhani, M. 2013. A Study of the Conflict Cycle in the Relations between the IR Iran and Saudi Arabia. *Quarterly of Political Science*. 9(22): 129-153. (In Persian)
- Shaffer, B. 2011. Energy Politics. University of Pennsylvania Press.
- Shafiee, N. and Ghanbari, F. 2017. Explaining the Relations of Iran and Saudi Arabia within the Framework of Cold War. *International and Political Research Quarterly*. 9(31): 117-140. (In Persian)



Available Online: <http://jmst.kmsu.ac.ir>

Original Article



Iran-Saudi Arabia competition in political, economic and religious spheres: its consequences from the Persian Gulf to the Red Sea

Gholamraez Firoozi ¹, Hamed Mohaghegh Niya ^{*2}, Shiva Jalalpor ², Ferydoon Akbarzadeh ²

¹ Department of Political Science, Khorramshahr International Branch, Islamic Azad University, Khorramshahr, Iran.

² Department of Political Science, Faculty of Humanities, Ahwaz Unit, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran.

*Corresponding Author E-mail: mohagheghnia7877@gmail.com

Received: 19 July 2020

Accepted: 14 December 2020

DOI: 10.22113/JMST.2020.232047.2373

Abstract

Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia are two important and decisive countries in the Middle East and the Persian Gulf, and various reasons have led to continued tensions in relations between the two countries. At present, for various reasons, the relations between the two countries are moving towards divergence, and a vague future for the relations between the two countries is conceivable.

The subject of the present study is the analysis of tensions and competition between Iran and Saudi Arabia in the Persian Gulf region. In other words, the aim of the present study is to investigate the main cause of tension in the relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the Persian Gulf and evaluate it based on the structure of international relations. The research method of this research has been done in terms of descriptive-survey and exploratory data analysis.

The research findings show that due to the regional development in the Persian Gulf including the crisis in Syria, Iraq, Yemen, and the nuclear deal between Iran and European countries, Iran's power and influence has been increased and this condition has been considered as a threat by Saudi resulting in an increasing tension and conflicts between the two countries which might develop and continue,

Differences in relations between the two countries, which could increase competition. Given the above and Iran's influential power in the region, Saudi Arabia has provided the necessary ground for USA and Israel influence in the region and has established close ties with Israel. Therefore, the approach of clear political relations in the future of the two countries is vague and tense.

Keywords: Islamic Republic of Iran, Saudi Arabia, Persian Gulf, regional hegemony

List of Table and Figures

Figure 1: Determining elements of Iran-Saudi Arabia competition in Iraq.

Figure 2: Determining elements of Iran-Saudi Arabia competition in Yemen.

Figure 3: Determining elements of Iran-Saudi competition in Syria.

Figure 4: Determining elements of the Iranian-Saudi political competition in Bahrain.

Table 1: Iran-Saudi Arabia political approach in the region based on sphere of influence.

Table 2: Summary matrix of strategic factor analysis.

Table 3: Matrix of future strategies of political relations between the two countries